

شد که بهائیان معالک دیگر از احوالشان مطلع و متنفر گشته
ترك مراجعه و مراسم نمودند و با دایره طبسی ارتباط

بکارزونی قدری دلائل قرآن شریف و احادیث و بعضی از
دلائل و علامات کتب فارسیان تکلم فرموده و معلوم شد که
ایشان بالنسبه بساثرین ناطقند و بعد شروع بخواندن
کلمات مبارکه حضرت بهاء الله نمودند فانی ملاحظه نمود
سیدی روبروی فانی نشسته ظاهرآ تشکر مینماید ولی بدقت
از زیر چشم دیده شد که کانه تبسم و مجلس میخندد حیرت
نمود در وقت تنفس در اطاق دیگرکه رفتیم از جناب حاجسی
میرزا مهدی طبسی پرسیدم که این محفل شما بهائسی و
غیربهای میز و چند یا تمام بهائی میباشند فرمودند نه غیربهای
نیست کانه ایشان آگاه بود فرمودند چه دیدید عرض شد
این سید که مقابل فانی جالس او را بهائی ندیدم و از روی خلوص
در مجلس نبود فرمودند این شخص نامش سید یحیی خودش از
ازلیهای معروف حاجی میرزاها در دولت آبادی معروف
نائب و وصی ازل این رافرستاده بعضی از کلمات ازل را بطبع
رساند با حاجی میرزا حسین خرطومی معروف ملاقات و معاشرت
داشته است او این را بمجالس میآورد و میگوید بهائی شده
است ولیکن فانی در باره خرطومی از لسان مبارک شفاها
شنیده بود آنچه که دلیل بر عدم ایمان او بود بیشتر بر
شبهه حقیر افزود چنانچه سفر سوم روزی در محضر مبارک
حضرت بهاء الله مشرف بودم در باره شئل معروف بیاناتی
میفرمودند که ما امرالله را بتمام سلاطین ابلاغ نمودیم ولیکن
چون حضرات کلهبی سلطان مخصوصی ندارند و امروز شئل
برای بنی اسرائیلی منزله رئیس میباشند خوبست شما با او

یافتند و آقا سید علی افغان بهجی رفته توسط ناقض اکبرکاری
از پیش نبرد و بالاخره بدامن حضرت عبدالبهاء متوسل شد

مراسله و مکاتبه نمایند و القای امر کنید و هرگاه ممکن شد ملاقاتی
هم با او نمائید چنانچه در اسلامبول بعد مراجعت از ساحات
قدس شروع بمراسلات و سئوالات گردید و برای همین مقصد به
بمیثی توجه شده بود در طی فرمایشات بختة فرمودند که این
حاجی میرزا حسین خرطومی در بمیثی از برای قونسول ایران
لائحه نوشته کلمات ما را با کلمات خودش مزوج نمود و با اسم
خودش فرستاده در ایام ما که این قسم کند بعد از ما چه خواهد
نمود سلیمان خان هم بعد از ورود بمیثی هفت وادی ما را یک
صفحه در اول آن افزود که من خواستم خلق هندوستان را از
امربارک آگاه نمایم و خود سواد بی نداشتم یک صفحه در اول
نوشتم و لکن در اصل عبارات ابداً تصرفی ننمود و آنرا هم طلب
عفو نمود ولی خرطومی اصل عبارات ما را با اسم خود شهرت داده
و با کلمات خودش مزوج نمود و از آنوقت در نظر داشتم که این
موقن بحق و اولیای او نیست بعد که دانسته شد که دلیل
سید یحیی مذکور در مجلس خرطومی شد یقین نمودم که ایمان
او حقیقی نه و چون مجلس ختم شد بملاحظه مسافت بنده منزل
در واغون اسبی نشستم فوراً دیدم سید یحیی مذکور خود را
رسانیده در پهلوی فانی نشسته بنان سئوال و جواب بطور
استنطاق را گذاشت که اهل کجا هستید از کجا آمده اید فانی
بدون مقدمه عرض نمود که من از یهودیه با ظرف بخارا
آمده ام خویشی داشتم در هندوستان وفات نمود و آمده ام
بلکه بشود ارث ببرم پرسید در آن جمع چه میکردید عرض شد
وقتی در محله اسلامبول در ترکیه مولوی رفته بودم نی و تار

و مدتی در حوال مقدس گشت و سید محمد و خرطوم میسرزا
حسینعلی جهرمی را انجهرم خواستند حجر بوداره تجارت

میزدند اینجا گفتند تکیه بهائیههاست بهمان ملاحظه
آمدیم دیدم نه نی و تاری و نه سنتوری در میان است قدوری
هم عربی خواندند و از اسلام صحبت داشتند ربطی بمالیم
بنی اسرائیل نداشت چون سخن باین مقام رسید مذکور
داشت های قربان شما مبارک گول اینها را بخورید العیسان
بالله خدای چه اینها همه دکانداری است تا موقع ایستگاه
راه آهن که بمنزل خواستم مراجعت نمایم ازین قبیل لا طائل
مذکور داشت شب رافانی متحیر که این چه برده بود ابد
فانی اراده این مذاکرات نداشت فردای آن روز جناب
حاجی میرزا مهدی دعوت نهار فرموده بودند و آنجا
حضرت آقا میرزا محسن افغان و خسرو فارسی بودند که حضور
داشتند تفصیل عرض شد فرمودند بموقع واقع شد که حیل او را
خدا آشکار فرماید و این بساط را خرطومی برپا کرده است
و گرگ را در میان گوسفندان آورده مطلب منتشر شد خرطومی
خواست که قسمی رفع و رجوع نماید او را فرستاد نزد فانی
بمذرخوا هی هر قدر خواست بلطائف الحیل مشتبه کند
نشد در استان فارسی و ایرانی خرطومی و دیگران و کناره
نمودند و از مجلس عذرش خواستند درین بین غروب شمس
حقیقت و کتاب عهد رسید جزوه مفصلی هم ناقض اکبرت
خرطومی فرستاد خطبه مناجات آیات صریح خود را صاحب
اورد داشته و ابراز کرده در بدایت خرطومی از فانی مخفی
داشت ولی چون آمده در همان تحتانی منزل فانی مسکن
نموده بهر قسم بود گرفته بعد از ملاحظه با حیا عرض نمود

و مطبوعه زايد ستش سپرده مرکز مراسلات نقضيه قرارداد دادند
خود بهيجی رفته با ناقض اکبر بنشر مفتريات حتى عرض عريضه

موجب کتاب عهد حضرت عبدالبها^۱ جل زکرة منصصوص^۲،
ولی امرالله حضرت عبدالبها^۱ است چون نوشته ناقض اکبر
بدون امضاء مطرک رسید و صریح خود را صاحب امر میدانند
محل اعتماد نیست باید بحضور مبارک معروض آید و عرض نمود
در جواب لوح مفصلی باسم فانی رسید از جمله در خصوص جزوه
ناقض اکبر میفرمایند قوله الاحلی " فاعلم بان الامر قد رفع
قد رجع بکله الی هذا المکمن المعلوم والمرجع المنصوص
ولیس لاحد مدخل فی امرالله الا باذن الصریح من هذا
المقام الموجود وهذا من ادق الامور هیئتین علیه دین الله
واستقراره ان عرفوا یا احبا^۱ الله واصفائه الی آخر" و ایمن
نیز مزید علت عداوت سید یحیی و خرطومی گردید بدوجه نیکه
که قتل را بستند و شبی که قصد فانی نمودند هرگاه دادند که
اهل سند و آقا یان او را برای آشپزی و مترجم فانی قرارداد دادند
بودند خبردار نشدند بود کار فانی را ساخته بودند چون بحضور
حضرت عبدالبها^۱ جل عیون^۳ احضار فرمودند بعد از چند
یوم فانی را احضار فرمودند بیانات میفرمودند بعد فرمودند
کیفیت سید یحیی در رمبئی چه بود فانی تفصیل را بمشرف
رسانید بعد فرمودند فصل مشبمی در رمبئی نوشته که عزیزالله
جذاب آمد و شخص سید بزرگوار را راند نمود هرگاه حضرت
عبدالبها^۱ عرض ما را قبول ندارند ان بفرمایند بیایند
مشرف شود ببینند که چه قسم مشتعل است ما هم ان دادید
بیاید و لکن نظر تو خطا نرفته سترکن تا وقتش سید یحیی مذکور
بعد از حرکت فانی بحضور رفته مشرف شده ان توقف در آن

سلطان عثمانی برداختند و از آن سو یکمال جد در تمویج افکار
مومنین و نشر آثار ناقضین کوشید ولی بعلمت و ورود متوالی

صفحات گرفته بجد ه رفته صبیہ مرحوم حاجی ملاحسین لاری
که از تجار بهائی معروف بود بزنی گرفت بعد از هفت سال
گذشت با اعراض قیام نمود که در حقیق در لوحی میفرمایند
قوله جلّ عبودیتہ " بیحیائی سابق ویموتی لاحق بگوئید
سامری و عجل را بنی اسرائیل جهت خویش مثل ناقضین
برای خود تراشیدند نه حضرت یوشع بن نون - ای یحیا
حیائی - ای یحیی حیائی والانتظر ننت الہیہ باش و
مترصد روسیاهی دارین لعمر اللہ ان الذلہ ستمہرب منک
وان الخسران تلتجئ الی الرحمن منک وتری نفسک فی اسفل
درکات الحجیم والذلة والحسرة والخسران للذین نقضوا
میثاق اللہ العلی العظیم ع " بان اعراض شدید باز
حضرت من ارادہ اللہ وحید و فرید اورا بتویہ و انابہ دعوت
فرمودند موفق نشد و بیغمته بعد ازیں شدید و مرضی عجیب
باسفل السافلین راجع و در تمام قطر مصر مشہور گردید و اعجاب
و اعراب کہ بهائی نبودند و پرا اعراض او و نزول این آیات قہریدہ
آگاہی بہم رسانیدند گفتند کہ زبانیہ قہر الہی اورا اخذ
نمود .

(عزیز اللہ جذاب خراسانی)

مبلغین شرقی و غربی حسب دستور مقدس وهم با اجتماع بهائیان
 دیگر از ایران که مستدرجاً رسیدند علم نقض سرنگون شد و
 رایت عهد و میثاق مرتفع گردید و جمع دیگر مانند کیخسرو خدا
 رحم و برادران و مهربان خدا بخش و برادرش جوان مرد گشت^{سب}
 و شاهزاده بهرام مهربان خداداد و برادران بامس مهربان
 باخوان و شرح اقدامات مبلغین از قبیل جمال الدین
 و آقا سید مصطفی و میرزا محرم و میرزا محمود و ابن ابهر و ابسن
 اصدق و ادیب و غیرهم را آوردیم و در حدود سال ۱۳۱۲ ایام
 اقامت آقا سید اسد الله قمی در آنجا بود آقا میرزا محمد علی
 افغان در بعضی وفات نمود و مسلمین مانع از دفن جسد در
 قبرستان شدند وجه معیت اهل بهاندک بود ه گلستانی
 نداشتند و آقا سید اسد الله بمشقت تمام جسد را با کشتی بادی
 برده قرب طاق کسری قرب قبرستان سلمان فارسی دفن
 کردند و سپس محمد کاظم کا زرونی چون در بعضی وفات یافت
 مسلمین از دفن و کفن در قبرستان ممانعت کردند و گروهی
 از اراذل و اشرار گرد آمده با جمعی از مفسدین زردشتی متفق
 شده کلمات سقط و ناستود ه گفته قلع و قمع این فتنه را واجب
 خواندند و جسد یک شبانه روز برجا ماند و آحاد اهل بهاء
 کوشیدند که قطعه زمینی از دولت بدست آرند ولی حکومت
 برسمیگ نسنالله زمین ندال و الاخره جسد را غسل و تطهیر

کرده در صندوق نهاده بانقلیه کرایه از بلدیّه در حالیکه
 اشراکات ناستوده میگفتند ولی دست آختن نمیتوانستند
 بمحلی نامقبول که مهیای برای دفن متوفیات بی وارث بسود
 برده دفن نمودند وما کیفیت وصول صندوق مقام اعلیٰ بواسطه
 جمعی از بهائیان شیعه نژاد رنگون بحیفا در سال ۱۳۱۷ در
 بخش سابق آوردیم و شمه^{ای} از مکتوب جناب آقا میرزا هادی در
 جواب حاجی سید مهدی رنگونی که دستور خواست چنین
 است . " در خصوص صندوق مقدس که بسمی و همراهمسی
 جناب میرزا محرم علیه ۹۹ از قرار معلوم بنحو مرغوب و مطلوب
 و مقصود الی بیست و نوزده روز بعد از تاریخ مکتوب با تمام میرسد از وجود
 مبارک دستور العمل خواسته بودید و کذلک صندوق چوبی
 هم اسباب مهیا بمجرد ورود صندوق سنگی برنگون آنهم طیار
 شده مفهوم گشت و بسیار سبب مسرت و بهجت گردید چون در
 این ایام ارض مقدس بواسطه ظلم و فساد و انواع تعدیات
 اخوان جفا آنجا تشریف دارند و باصلاح و دفع و رفع آنها
 میکوشند انشاء الله معروض خواهم داشت . . . مجدداً
 اینکه بحضور انور مشرف شدم و معروض داشتم فرمودند وقتی
 تمام شود بحواله آقا احمد در رپورت سمید حمل فرمائید بهم ع

۲ سنه ۱۳۱۹ میرزا هادی شیرازی)

و از جمله واقعات حسنه که موجب شگفت مؤمنین گردید

آنکه پس از چند سال سختی و تعب از جهت نداشتن قبرستان
خصوصی با وجود تأدیه قیمت و ابا^۱ بلدیّه و یا بوعده گذراندن
در باب زمین برای مدفن اهل بهانا گهان روزی از جانب
بلدیّه خبر رسید که بهائیان بیایند و از ما بین چند قطعه زمین
یکی را بپسندند لا جرم میرزا عبد الباقی یزدی مدیر تجارتخانه
طیلسی با حاجی احمد کازرونی و جمشید خداداد حکیم و نوشیروان
گشتاسب بهرام مهربان رفتند زمینی را پسندیدند و برگشتند
و بلدیّه زکری از مطالبه قیمت زمین نکرد و طولی نکشید که خبر
رسید قطعه زمین مذکور را حصار کشیدند و روزه گذاشته مهیا
کردند که بهائیان بروند و امضا^۲ داده تصرف نمایند و اهل
بها چنین نمودند و ماوقع بمحضر حضرت عبد البها^۳ معروض
داشتند و آنحضرت در جواب نقشه گلستان با طرح خیابانها
و یاغچه بندی و گلکاری و ساختن قبر کوتاه در وسط باغچه
و مجرای آب در وسط گلستان فرستادند و علت دادن بلدیّه
زمین را بدین اخذ قیمت چنین بیان نمودند که در طهران
قونسول دولت انگلیسی از یکی از بهائیان پرسید که چرا بنام^۴
اولین مشرق الاذکار بهائی در ایران نشد بلکه در مملکت
روسیه اقدام کردند و بهائی جواب گفت که فقدان آزادی و
عدم رضاء دولت و ملت ایران مانع گردید قونسول گفت لکن
در هندوستان جمعیت بهائی بسیار و مملکت در آنها بسیار است

آزادی است اولی آن بود که بنا به مشرق الا زکار در آنجا میشد
 و بهائی گفت من از علت و جهت مذکور بهیچرم اینک بمحضر
 مولایم مصر و ض داشته استفسار مینمایم و بی درنگ برای ما
 نوشت و ما جواب دادیم که بقونسول بگود ریمینی در استان ما
 قطعه زمینی برای مدفن خود با ارا قیمت بارها خواستند
 بلدیة رد کرد در این صورت چگونه ممکن بود باز مینی برای
 تاسیس مشرق الا زکار بد هند و قونسول بحکومت هند خبر
 داد و از این روقطعه زمین دادند و بالجمله محفل روحانی
 بمبئی جمشید خداداد حکیم رامامور نمود که بنوع مقرر در نقشه
 زمین را تنظیم و تعمیر نمود .

وامامراکز بهائیت و محافل روحانی نخست بمبئی در سال

۱۳۱۹ محفل روحانی تاسیس یافت دیگر پونه تاسیس محفل
 روحانی بسال ۱۳۳۶ واقع شد دیگر رنگون محفل روحانی
 بسال ۱۳۱۳ اساسش برقرار گردید دیگر مندله محفل روحانی
 بسال ۱۳۲۳ تاسیس شد دیگر کنجانگون محفل روحانی
 بسال ۱۳۲۵ منعقد گشت دیگر کلکته محفل روحانی در
 حدود سال ۱۳۵۰ تاسیس یافت دیگر دهللی بسال ۱۳۴۸
 محفل روحانی برقرار آمد دیگر کراچی محفل روحانی بسال
 ۱۳۲۸ انعقاد یافت .

و از مبلغین بنوعیکه در بخش هشتم تفصیل دادیم

عظیم انجام داد و بعد از غروب نیرمیتاق حسب اجازت از حضرت ولی امرالله تشرف یافته با ایالات متحدہ امریکا درآمدہ خطابہ ہا داد نمودہ ہکراچی برگشت و خدمات امریہ پرداخت و عاقبت درحین شناوری درنہرآب درجید رآباد غرق گردیدہ از این جہان سنہ ۱۳۴۵ درگذشت و قبرش درخیرآباد است دیگرشیخ حشمت اللہ قریشی ساکن اکرہ فاضل وناطق و مطلع از عقائد وادیان وکامل درالسنہ فارسی و عربی وانگلیسی وارد ودرتالیف ودرتبلیغ ودیگرخدمات امریہائی ہمتی جلیل نمود وعضویت محفل مرکزی ہند وپرما یافت وایامی بسیار درکراچی بسربرد دیگرمستریہر تیم سنگہ از قوم سیک تحصیلات درانگلیسی کرد ودرفارسی نیز مہارت یافت و نویسنده وناطق و مشفق و مشغول تبلیغ ودیگر خدمات دراین امرشد وعضویت محفل مرکبسی بہائیان ہند وپرما یافت وایامی طویل درلاہور اقامت گزید۔ دیگرعباسعلی بت کشمیری درفارسی وانگلیسی وارد ووزبان برما وعلوم عربیہ فاضل بود وعضودائرہ حکومتی بودہ و بسیاری از آثار امریہ را بانگلیسی وارد و ترجمہ کرد وجواب اعتراضات و مفتریات معاندین طبع و نشر نمود و سنینی در رنگون ودہلی وغیرہما بسر برد وسفری بارض مقصود کردہ تشرف بمحضرانور یافت وآثاری از حضرت عبدالبہاء در حقیقہ صادر گردید وعضویت محفل ملی بہائیان ہند وپرما یافت فاضل وشاعرورئیس محفل روحانسی

د هلی ومد یرمجله کوبک دیگر مولوی محفوظ الحق ومهر محمد
 شهاب از غلام احمد بهاکه در مجله کوبک وهند مقاله در رد
 آن عقیده نوشت دیگر دکتر محمد عمر صمدانی در د هلی ماهر
 در فارسی وانگلیسی وارد وشاعر بوده بخدمات این امر قیام
 کرد دیگر عثمان کاتب وناطق در انگلیسی وارد وعضو دائره
 تلگراف در اکره اشتغال بخدمات این امر جست دیگر سید
 عبدالرشید که قصائد بسیار بفارسی وارد ودر حق این امر
 سرود وسید قاسم علی کاتب وناطق در اردو وفارسی در کلکته
 ومد یر جریده البها دیگر اسفندیاری بختیاری قائم بخدمات
 این امر وعضو محفل ملی بهائیان هند در کراچی دیگر سید
 غلام مرتضی و برادرش سید جناب علی شاعر ودر فارسی وارد و تا
 چندی مدیر مجله الا شراق وساعی در خدمت ونشر نفعات
 امریه معلم مدرسه انگلیسی در رنگون منشی محفل روحانسی
 در رنگون دیگر مستر وکیل وکیل رسمی محاکم عدلیه واستیناف
 ساکن سورت مقالاتی بسیار در خصوص این امر در جرائد بزبان
 انگلیسی وکجراتی طبع ونشر نمود وچون از طائفه برهمن بود
 وپد برای ایمانش تمصب وتشدد حتی طرک اعتنا ننمود وهنگامی
 صورت نقوغرافی خودش وزوجه اش را بمحضر حضرت عبد البهاء
 فرستاده در همان صورت دعا و مناجات در حقشان مرقوم
 فرمودند ونوبتی بمحضر مبارک وهم باری دیگر بحضور حضرت

ولی امرالله تشرف حاصل کرد والواج متعدد در حقیقتان صادر گردید و سالها رئیس وامین صندوق محفل مرکزی هند و برما گردید دیگر مهربان رستمی در پیونده قصائد بسیار در حق این امر سرود و نیز مستر سهراب جی و مستر پشوتن جی و نیز دکتر خداداد فوزدار منشی محفل روحانی بمبئی که نوبتی بزیارت محضر حضرت ولی امرالله رفت و نیز دکتر لقمانی از بودیها که به بغایت مشتعل و منجذب مییاشد و هم شیرین خانم فوزدار ناطقه و مبلغه گردید .

دیگر کیخسرو اسفندیار مؤمن مخلص بود و چون بسال ۱۳۲۴ مستر سدنی اسپرک امریکائی برای تبلیغ بهندوستان وارد شد و هنگامیکه میرزا محمود زرقانی در لاهور بود با اتفاق میرزا محرم بدانشهر ورود نمود و در چار مرض و با گردید و میرزا محرم ببهائیان بمبئی تلگراف کرده تنی را برای خدمت و معاونت مریض طلبید و در محفل روحانی مشورت شده قرار دادند که جمشید خداداد حکیم رهسپار شود کیخسرو اسفندیار مذکور بصرف اخلاص مصمم گشته خواهش کرد که بهائیان مانع وی نشوند و همان شب بشتافت و بعد از ورودش بلاهور اسپرک بهبودی یافت و او بهمان مرض دچار شده درگذشت و در لاهور مدفون گشت و خطابی در حقیقت صد و ریافت و هی هذ ؛
 "خویشان واقربای آن قربان احيای الهی یعنی فائزیدیدار

هروردگار حضرت کیخسرو یارسی علیه بهاء الله الابهی
 هو الله ای خوبندان و پیوندان آن هوشمند حضرت کیخسرو
 خسروی فرمود و وفا پروری نمود و سرورزی کرد و بزرگواری نمود
 و آنچه تعالیم جمال مبارک و نصایح و وصایای اسم اعظم
 بود بتمامه قیام کرد فی الحقیقه جانش را فدای اسپرک نمود
 و جسمش را قربان دستان فرمود آن نفس طیب طا هر ملکوت
 با هر عروج فرمود آن جان پاک از فراز افلاک در گذشت و در
 جهان جاوید تابناک گردید یاران و خویشان او باید سرافراز
 نمایند و مفتخر و متباهی گردند بدرگاه احدیت شکرانه کنند
 که چنین نفس مبارکی از ایشان در راه حق پریشان شد و فدای
 و قربان گردید ای کیخسرو خسرو و جهانی و شهریاری جهان
 جاودان چقدر عزیز بودی که مشام مرا مشکبیز کردی و مانند
 زهب ابریزد ریخته امتحان رخ برافروختی و شوری انگیختی
 و نرد محبت باختی و کاری ساختی و از این جهان تنگ و تنگ
 بجهان نورانی شتافتی خوشابحال تو خوشابحال تو عید البها
 امید و راست که او نیز موفق به پیروی تو گردد و جان را چنین در
 محبت یاران بیازد الخ "

و خلفش فریبرز بظهران رفته سالها بتربیت دکترمودی خانم
 امریکائیه پرورش یافته مقامی حاصل نمود باعائله در آنجا

دیگر محمود میا مقری و حاجی علی نقی شیرازی که سا اہما
مقیم مصر بود و عائلہ در آنجا گذاشته اقامت در بمبئی نمود و از
مشاہیر مومنان در مندلہ حلیمہ پلی اما ما میاش قرنیہ آقا
سید مصطفی رومی گاہی نایب رئیس محفل روحانی بود و رسالہ
بنام حقوق الانسانیہ در لغت ہر ما طبع و نشر کرد و در مسکونہ اش
را برای این امر وقف نمود و از طایفہ خواجہ محمد منجی و برادرش
مہر علی منجی و پسران خواہرش ہاشم وقاسم و کرملی و نیز
شیر محمد و نانجی و نور محمد و خوشحال بہائی کہ از ملا سائ
خواجہ بود و ہم عبد الرشید و سید محمود دیگر از بہائیان
معروف پارسی آقا خسرو بیمان در روط نش کسنویہ یزد زراعت
پیشہ بود مشاہدہ اخلاق و احوال بہائیان و خصوصاً از
تصریف و تمجید دستور تیرانداز طالب و محب گشت و در حدود
سال ہزار و سیصد و اندی بمبئی رفتہ بہ دکانداری پرداخت
و با اخلاق و صحبت حاجی سید میرزا افغان و تبلیغ عند لیب
در حدود سال ۱۳۱۰ فائز بیمان گردید و تبلیغ پرداخت
و مورد تعرض زردشتیان شد و سفری بسال ۱۳۲۰ و ہاری
دیگر سال ۱۳۳۰ بحضور حضرت عبد البہاء مشرف شد و از
آثار یادگارش فتوگراف صوت مبارک حضرت عبد البہاء بفارسی
گرفت و کتاب بہجۃ الصدور شرح احوال حاجی میرزا حیدر علی
اصفہانی را اویاعت شد و خاندانی مومن از خود بیادگار گذاشت

وازمعا ریف قریه وید نوکلزو وقریه تابنجاون ازکنجانگون
 اوچت تون اول من آمن آنجار رئیس محفل و بعد از او تونجوی
 رئیس محفل شد که پسرش کلانتر رسمی قریه بود و بعد از او منسیو
 بریاست انتخاب شد و بعد از او عبد الرحمن اود رمان رئیس است
 و نیز محمد حسین سینا اوپونی نابت رئیس شد و سیا کوما بیسن
 منشی محفل و امین صندوق و آنجا از حیث جمعیت و سرگذشت
 بزرگ بهائی مشهور و معروف میباشد و اما تالار بهائیان هندوستان
 در بمبئی در اواخر ایام اشراق انوار ابهی مرکزی مختصر گرفتند
 و بعد ریح که جمعیت مومنین و طالبین بیشتر شد مراکز متعدد
 وسیعه بی دربی اجاره همی کردند و در کراچی بسال ۱۳۴۱
 با هتمام پروفیسور شیرازی محفل روحانی منعقد شد و مهر محفل
 روحانی کراچی و هم تالار نشان بعنوان انجمن بهائیان
 بنگلہ و لغت انگلیسی برقرار گردید و گلستان نیز تاسیس کردند و
 حظیرة القدس ساختند و مجمع سنوی بهائیان هندوستان
 ویرما در سال ۱۳۳۷ در بمبئی برپا گردید که بهائیان دو
 مملکت مجتمع شده اعلان عمومی داده غطابه ها بالسن
 متعدد در باره این امر داد کردند و در صفحات جرائد طبع
 و نشر گشت و سنینی دیگر نیز در بمبئی و کراچی و پونه منعقد گردید
 و مبلغین برای نشر تفحات باطراف فرستادند .

وازمعه مومنین که برایشان آثاری از مرکز عهد و بیمان

ابھی صد دریافت و جمعی راد بخش ششم و بعضی راد ری—
 بخش نام بردیم بدین اسامی والقباب بودند رنگون و مند ل—ہ
 آقاسید مہدی شیرازی، آقاسید مصطفیٰ رومی، دکتربخیرالدین
 حکیم، امتیازحسین خان، آقاسید اسمعیل ابن آقاسید مہدی،
 آقاسید عبدالحسین و آقاسید محمود ابنا، آقاسید اسمعیل،
 میرسجاد حسین، ابوالحسن محمدعظیم الدین، محمد اسحق،
 ابوالظفر، ابوالبشر، ابوالنصر محمد اسمعیل آقاہاسعلی،
 محمد حسین سوداگر، عبدالحاشم، ابوتراب قمرالدین،
 آقاسید محمد، محمد حسین سرہنگ، شمس الدین، آقاسید
 جواد، آقا علی اکبر، عبدالرحیم، محمد ابراہیم شیہرازی،
 محمد حسین، فیض اللہ سرہنگ، محمد مستان، منشی
 عبدالغنی، اسیرعلی، مدینہ شریف، حکیم سید احمد—
 امۃ اللہ سارہ بیگم، خدیجہ بیگم، خاتون بیگم، سعیدہ بیگم،
 بدیعہ بیگم، جمیلہ بیگم، زہرا بیگم، شہریانومریم، عبدالقادر،
 عثمان، یعقوب موجود، محمد یونس خلیفہ و عائلہ و سیمہ اش،
 امۃ اللہ باجی، آقا سلیمان کپوچہ، سید غلام مرتضیٰ علی و
 برادرش سید جنابعلی منشی محفل روحانی رنگون، نورمحمد
 کشمیری الاصل، محمد عبد السبحان، امیرالاسلام چاتکام
 سکالہ فقیر محمد کانپوری، کوچت تون، کوتونجوی خدا بخش
 آقا محمد کاظم تبریزی، آقا محمد شفیق و عائلہ اش، غلام محمد

ثانی، غلامحسین، دکتر سید مظہر علی شاہ، دکتر عبد اللطیف،
 درہندوستان، عبد الرحمن بن حسین قاضی، ابراہیم محمد
 صالح بہونیل حسین بن زین الدین بدرالدین بن
 شمس الدین، حسین بن بابا فلاحی، نورالدین شمس الدین
 جونلی، قطب الدین محیی الدین قاضی، نورالدین محمد
 صالح، امین بن حسین، قاضی محمد بن بہکومورک، بہکو
 بادامورک، احمد بن محیی الدین ملاحی، عثمان سیتا دلکی،
 شمس الدین حسین قاضی، علی بن حسین قاضی، احمد بن
 ابراہیم قاضی، زین الدین، محمد رونگری، امة اللہ مریم،
 فاطمہ، عایشہ خدیجہ، درکلکتہ، سید قاسم علی، مجیب
 الرحمن خیاط، یوسف علی، یاسین علی، صادق علی،
 عباس علی، بمٹی، سید عبد الرشید، مہر علی منجی
 واما تعرض و حملہ متعصبین و معاندین مجملاً آنکسہ
 علمای ہند و برما رسائل و مقالات بسیار راجع بہ کفر و بطلان
 این امر نشر دادند و مردم را بمقاومت تہییج کردند و رکنجا
 حظیرة القدس را سنگباران نمودند بحظیرة القدس مند لہ
 ہم چند بار سنگباران کردند و بعضی شیشہ آلات را شکستند
 و ملاہا و اہالی را از معاشرت با این فتنہ نہی کردند و در ہنگام
 وفات محمد مصطفی عرف سیا و مونجی از بہائیان متقدم پدر
 خلیفہ محمد یونس عرف کوبوز وی خانہ را کہ مجلس تذکر

بود و واردین و خارجیین را حین العبور سنگباران کردند و
 چندین بار در اماکن و اوقات عدیده بقصد جمال الدین و
 حاجی سید مهدی و آقا سید مصطفی و آقا میرزا محرم و غیرهم
 با مساعدت ملاها فرداً و اجتماعاً قیام کردند ولی مومنین محفوظ
 ماندند و قدرت و دخالت حکومت مانع شد و قتل و غارتی رخ نداد
 و چون مقابله و مناظره کتبی مابین این فتنه و قادیانی ها اتباع
 میرزا غلام احمد قادیانی در گرفت و طرفین مقالاتی در ردّ و جواب
 منتشر ساختند و آقا میرزا محمود زرقانی نشریاتی طبع کرد بالاخره
 قادیانیها در عین خشم و تعقیب ^{و نشر} مکتوبات و طعن و ردّ شکست
 خوردند و برخی از کاتبین و مبلغین و وزراء^۱ شان مانند مولوی
 سید محفوظ الحق و مدیر جریده الحکم قادیانی مهتر محمد خان
 شهاب و محمد عمر صمدانی که عدویشان از فضلا و بلغا بهفت
 رسید تصدیق کردند و حضرت عبدالبهاء در خطابی چنین
 فرمودند: " این شخص را گمان چنان که با حبال و عصائی
 مقابلی با ثعبان مبین تواند و باین شبها ت و او هام مقاومت
 کلمة الله تواند کرد عنقریب خویش را اسیر خسران مبین بینند
 و آیه مبارکه اذ تبرء الذین اتبعوا من الذین اتبعوا تحقیق
 یابد یدعون من دون الله ما لا یضرهم ولا ینفعمهم و ضعف
 الطالب و المطلوب ولی شما در نهایت مدارا و ملایمت جواب
 شبها ت آنا ترا بد هید بنوعیکه محزون نگردند این است روش

۱۱۷۴

اهل بهاواين است مسلك ائمه هدى اين خلق ضعيف
العقل اند الخ *

در سال ۱۲۱۸ هـ. ق ۱۹۰۲ م آقا میرزا مهدی رشتی و آقا میرزا عبد الباقی یزدی از جانب کمپانی امید که در عشق آباد تاسیس یافت^۱ شانگهای وارد شده شعبه باز کردند و آنند و اولین بهائی بودند که بمطک چین ورود نمودند سپس در سال ۱۳۳۵ هـ. ق ۱۹۱۶ م مستر چن چینی در شیکاگو عرفان و آیدان حاصل کرده بشانگهای عودت نمود و او نخستین بهائی چینی است و در آن سال مس مارثاروت مبلغه بهائیه امریکائیه بچین وارد شده توسط مستر چن مجالسی فراهم گشته نطق در خصوص امر ابهی نمود و در سالی بعد بهمست آقا میرزا احمد راضی تبریزی ورقه در لغت چینی و فارسی با تمثال حضرت عبد البهاء انتشار یافت که اولین نشریه راجعه باین امر در آن مملکت بود و در آن سال یازده تن از بهائیان ایرانی در شانگهای اجتماع یافتند و در سالی دیگر بهمت راضی در خاربین تعلیمات ابهی بنوع اختصار در لغت روسی طبع و نشر گشت و سپس در وری بعد مسافرت مبلغین و مبلغات امریکائی بچین بی دربی شد و اعلاء و انتشار و تبلیغ امر ابهستی مزدا گردید چنانکه در سال ۱۹۲۳ مس مارثاروت بچین وارد شده در بعضی مدارس بلفغت اسپرانتو و انگلیسی در خصوص این امر اداء خطابه کرد مخصوصاً در دارالفنون پکن که رئیس